

کیمی (kimi)

● کارگردان: استیون سودربرگ
● بازیگران: زوئی کراوینز، بنتسی برنتلی، ریتا ویلسون

استیون سودربرگ برای سینمادوستان ایرانی نامی آشناست. این فیلمساز پرکار با انبوهی از آثار مشهور «جنیست، دروغ، و نوارهای ویدیویی»، «خارج از دید»، «رین براکویچ»، «قاجاق»، «یازده یار اوشن» و دنباله‌هایش، «سولاریس» و... حالا با یک فیلم پر تعلیق و جنایی متعلق به عصر فناوری بازگشته است. قهرمان این فیلم در همه جای دنیا سرک می‌کشد جوری که انگار مستقیماً به سیم برق وصل شده و از این ناامید است که انرژی اضافی اش هدر می‌رود. فیلم درست مثل قهرمانش در همین سطح از سرعت عمل می‌کند. «کیمی» را می‌توان برداشتی از «پنجره عقیبی» (الفرد هیچکاک) به سبک فرانسویس فورد کاپولا (در «مکالمه») و برایان دی‌پالما (در «انفجار») دانست که با مختصات عصر اینترنت هماهنگ شده است. «کیمی» داستانی یک کارمند فناوری مشغول در سیاتل را دنبال می‌کند که به‌طور تصادفی با شواهدی از یک جنایت روبه‌رو می‌شود، و تلاش او برای گزارش کردن این شواهد باعث می‌شود توجهات به‌شکل خطرناکی به او جلب شود. دیوید کوئپ (فیلمنامه‌نویس «کیمی») که سابقه نوشتن فیلمنامه‌هایی چون «اتاق امن» (دیوید فینچر) را داشته و سودربرگ، داستان را تا حد اصول اولیه‌اش فشرده کرده و یک اکشن سریع ۸۹ دقیقه‌ای از آن بیرون می‌کشد. طرح داستانی فیلم ساده است و قطعاً با فیلم عمیقی روبه‌رو نیستیم اما می‌توان گفت با فیلم سرگرم‌کننده‌ای طرفیم.



مرد شمالی (The Northman)

● کارگردان: رابرت اگرز
● بازیگران: الکساندر اسکارسگارد، نیکول کیدمن،

آنیا تیلور جوی، ایتن هاوک، ویلم دافو، بیورک
رابرت اگرز ۳۸ ساله، بعد از دو فیلم مستقل و تحسین شده «جادوگر» و «فانوس دریایی»، یک بار دیگر با «مرد شمالی» اکثر منتقدان و مخاطبان جدی سینما را به تحسین واداشته است. ترکیب وایکنگ‌ها و انتقام می‌تواند انرژی زیادی را آزاد و اکثر تماشاگران را ارضی کند. «مرد شمالی» مصداق بارز این ادعا است. اگرز در این فیلم به‌سرراغ اسطوره «نورس» رفته است؛ اسطوره‌ای که الهام‌بخش شکسپیر در خلق «هملت» بود. حاصل کار، حماسه‌ای تاریخی است که شبیه نمونه‌های دیگر نیست. «مرد شمالی» داستان املث (اسکار اسکارسگارد) را روایت می‌کند که به دنبال گرفتن انتقام از عمویش است؛ عمویی که پدر املث را به قتل رسانده و تاج و تخت او را تصاحب کرده است.

«مرد شمالی» فیلم خشن و بی‌رحمی است اما در دل نبردهای حماسی املث، به‌شکلی غافلگیرکننده با عواطف و انسانی‌تری شگفت‌انگیز مواجه می‌شویم. همین ویژگی باعث می‌شود تا انگیزه شخصیت متقاعدکننده‌تر از اکثر فیلم‌های انتقام‌جویانه دیگر باشد. این تعادل، شاید بر جسته‌ترین ویژگی فیلم باشد؛ تعادلی که در جنبه‌های مختلف فیلم قابل مشاهده است: مثلاً فیلم ترکیب متعادلی است از زیبایی و سرسختی چشم‌اندازهای ایسلند، یا همچنین ترکیبی است از واقع‌گرایی بسیار دقیق و شگفت‌انگیز با جنبه‌ای که باشکوه‌تر و اپرای‌تر از یک درام واقع‌گرایانه به‌نظر می‌رسد. با این تقارن دقیقی که در فیلم میان ابعاد واقع‌گرا و فراواقع‌گرا وجود دارد، «مرد شمالی» شاید بیش از اکثر نمونه‌های دیگری یکی - دو دهه اخیر توانسته حال و هوای یک اسطوره فانتزی را به یک فیلم زنده سینمایی برگرداند.



همه چیز در همه جا به یک باره (Everything Everywhere All at Once)

● کارگردان: کوان و دنیل شاینرنت
● بازیگران: میشل یئو، استفانی سو، که هوی کوان، جنی اسلیت

کسانی که دنیل کوان و دنیل شاینرنت را با تنها همکاری مشترک قبلی‌شان، یک فیلم مستقل به‌نام «مردار تشی سویسی» (محصول ۲۰۱۶ با بازی پل دنو و دنیل رادکلیف)، به یاد می‌آورند، احتمالاً از تماشای «همه چیز در همه جا به یک باره» شگفت‌زده خواهند شد. «مردار تشی سویسی» هم از جنبه‌هایی فیلم عجیبی بود (رادکلیف در بخش عمده فیلم نقش یک جسد را ایفا می‌کرد) اما مقیاس فیلم جدید و گستره جاه‌طلبی آن قابل مقایسه با فیلم قبلی این دو کارگردان نیست. «همه چیز در همه جا به یک باره» یک کمدی بُرنده و کنترل‌ناپذیر با ماماهای حماسی کونگ‌فوئی است که به داستان یک زن معمولی (صاحب یک رختشویی خانگی) می‌پردازد که در شرایط ویژه‌ای قرار می‌گیرد که طی آن باید میلیاردها جهان موازی را از دست نیروی شر و از خطر نابودی حتمی نجات دهد. همین خلاصه یک خطی می‌تواند تاحدی نشان دهد که با چه فیلم عجیبی روبه‌رو می‌شویم. فیلم هم جنبه استعاری قدرتمندی در ارتباط با آشوب عصر اینترنت دارد، هم واجد جنبه‌ای معنایی در مورد جدال میان زندگی و بی‌معنایی است، هم یک اکشن بی‌پرواست که پهلو به پهلو اپزور دیسم می‌زند و هم یک کمدی تأثیرگذار محسوب می‌شود.

اگر این توضیحات برای ترغیب شما به تماشای «همه چیز در همه جا به یک باره» کفایت نمی‌کند، کافی است بدانید که در سایت IMDb، این فیلم با کسب ۳۳ هزار رأی امتیاز خیره‌کننده ۸.۸ را از کاربران این وبسایت دریافت کرده و فعلاً در رتبه ۵۵ بهترین فیلم‌های تاریخ به انتخاب کاربران IMDb قرار دارد.



منبع: polygon.com

همه به نمایشگاه جهانی می‌رویم (We're All Going to the World's Fair)

(Fair)

● کارگردان: جین شوئن بران
● بازیگران: آنا کاب، مایکل جی راجرز

این فیلم جمع‌وجور که محصول سال گذشته است و اولین نمایش خود را هم ژانویه ۲۰۲۱ در جشنواره ساندنس تجربه کرد، واقعاً محصول ویژه‌ای است؛ یک فیلم ترسناک دوران بلوغ (coming-of-age) برای نسلی که بیش از حد آنلاین بزرگ شده است. «همه به نمایشگاه جهانی می‌رویم» هیجان و وحشت ناشی از ایجاد یک «خود» جدید در اینترنت، و همچنین هیجان و وحشت رویارویی آنلاین با دیگرانی که فکر می‌کنند شما را می‌شناسند، بیان می‌کند. شخصیت اصلی این فیلم کیسی (آنا کاب در اولین نقش آفرینی سینمایی‌اش که اتفاقاً حضوری تأثیرگذار و فراموش‌نشده‌ای است) نام دارد؛ یک نوجوان تنها و وابسته به اینترنت. او به‌طور تصادفی با چالشی به نام نمایشگاه جهانی مواجه می‌شود؛ یک چالش آنلاین با مضمون ترسناک که وعده تغییرات فیزیکی را به کسانی می‌دهد که در آن شرکت می‌کنند. کیسی برای حضور در این چالش شروع به تولید ویدیوهای می‌کند؛ ویدیوهای که در راه روی تجربیات (و تماشاگران) جدیدی در زندگی فیزیکی و مجازی او باز می‌کند.

«همه به نمایشگاه جهانی می‌رویم» با استفاده مؤثرش از نوعی زیبایی‌شناسی وحشت (که شامل همکاری جالبی با تعدادی از چهره‌های سرشناس یوتیوب هم هست) به یک تجربه ترسناک اینترنتی تبدیل شده که تماشاگر را در خود غوطه‌ور می‌سازد و البته ممکن است جنبه‌های آشنایی برای آدم‌هایی که به‌سرک کشیدن در گوشه و کنار اینترنت عادت دارند داشته باشد. اولین فیلم شوئن بران می‌تواند خوره‌های فیلم‌های وحشت را سیراب کرده و آن‌ها را مشتاقانه منتظر آثار بعدی‌اش نگاه دارد.